

پژوهش در منابع تاریخی دوره ایوبی

علی غفرانی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

حکومت خاندان کرد ایوبی در مصر و شام و یمن و جنگها و فتوحات آنان در برابر متجاوزان صابی و بر افتادن فاطمیان از مصر بدست این خاندان و نیز غلبه آنان بر اتابکان زنگی در سرزمین جزیره و شام، یکی از مقاطع با اهمیت تاریخ جهان اسلام است. پیش از آشنایی با دوران فرمانروایی این سلسله در مصر و شام و جزیره، و آگاهی از عادات و کنش ایشان، و نیز بناهای عمده‌ای که از روزگار آنان به یادگار مانده، لازم است به شیوه‌ای جامع و علمی، به منابع کار پردازیم. در این گفتار، منابع موجود را به ۴ دسته تقسیم کرده، بخش نخست را که همانا منابع اصلی است، مورد پژوهش قرار داده‌ایم.

کلید واژه‌ها: ایوبیان، منبع شناسی ایوبی، صلاح‌الدین.

از اواخر قرن ۵ ق پس از آنکه دولت سلجوقیان در سرایشب سقوط افتاد، دولتهای اتابکی یکی پس از دیگری در متصرفات آنان شکل گرفت، و بزرگترین آنها سلسله زنگیان بود که بر موصل و جزیره و شام مسلط شد. عمادالدین زنگی (د ۵۴۱ق) که این سلسله را بنیاد گذارده بود، خاندان کرد بنی شادی را بر کشید و به مقامات لشکری رسانید. نورالدین محمود زنگی پسر عمادالدین که تمام ایام حکومت خود را صرف جنگ با صلیبیان کرده بود، از وجود ایوبیان در جنگها و فتوحات خود بهره گرفت. اسدالدین شیرکوه و صلاح‌الدین ایوبی از صاحب منصبان نظامی دربار نورالدین محمود زنگی بودند که به وزارت عاضد آخرین خلیفه فاطمی مصر رسیدند و سرانجام

صلاح‌الدین در سال ۵۶۷ق. خلافت فاطمیان را منقرض کرد. در سال ۵۶۹ق. پس از آن‌که نورالدین محمود در گذشت، صلاح‌الدین اساس حکومت مستقل خاندان ایوبی را بنا نهاد و مصر و شام را در زیر فرمان خود گرفت. سپس جانشینان صلاح‌الدین تا نیمه اول قرن ۸ق. بر بخشهایی از مصر و شام و جزیره و یمن حکم راندند و سرانجام مغلوب ممالیک مصر شدند. امیران خاندان به ویژه صلاح‌الدین هم به سبب جنگهای صلیبی و هم به سبب تأسیس مسجدها، مدارس، بیمارستان‌ها و کتابخانه‌ها و بناهای خیره‌بسیار در جهان اسلام، اعتبار فراوان یافتند و نام خود را جاودانه کردند. از اولین لوازم مطالعه در تاریخ حکومت این خاندان، شناخت منابع تاریخی مربوط به آنان است.

این منابع را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

۱- دسته نخست: منابعی است که همزمان با حکومت ایوبیان و در شهرها و مناطق تحت حاکمیت آنان نوشته شده و طبیعتاً منابع دست اول تلقی می‌شوند. از این منابع آنچه که تاکنون یافت شده و به چاپ رسیده‌اند بسیار اندک و شامل *الفتح القسی والبرق الشامی*، تألیف عماد کاتب اصفهانی (د ۵۹۷ق)؛ *النوادر السلطانیة بهاء‌الدین ابن شداد* (د ۶۳۲ق)؛ بخشهایی از کتاب *زبدة الحلب* تألیف ابن عدیم (د ۶۶۰ق) که برگرفته از کتاب *بغیة الطلب* اوست؛ بخشهایی از *الاعلاق الخطیره* عزالدین بن شداد (د ۶۸۴ق)؛ *مفرج الکروب* تألیف ابن واصل (د ۶۹۷ق)؛ کتابهای *الروضتین* و *ذیل الروضتین* تألیف ابو شامه (د ۶۶۵ق) و بخشی از جلد چهارم کتاب *المختصر فی اخبار البشر ابوالفداء* (د ۷۳۲ق) است.

۲- دسته دوم: عبارت است از تاریخهای عمومی مانند *الکامل ابن اثیر* (د ۶۳۰ق)، تاریخهای محلی عراق، موصل، جزیره، حلب و دمشق و نیز تاریخهای عمومی و محلی مصر که سالها بعد از بر افتادن ایوبیان و در عصر حاکمیت ممالیک نوشته شده‌اند. فرهنگنامه‌های تاریخی همچون *وفیات الاعیان ابن خلکان والوافی بالوفیات صفدی*، نیز بر اطلاعات پراکنده‌ای در این باره شامل‌اند. (نک «مروری بر منابع تاریخی عصر ممالیک» مجله «مقالات و بررسیها»، ش ۶۶ (۱۳۷۸) ص ۲۴۵ به بعد).

برخی از منابعی که همزمان با حکومت ایوبیان تألیف شده بودند، یا از میان رفته‌اند و

یا به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند. نویسندگان مصری در قرنهای ۸ و ۹ ق. همچون ابن آیبک دواداری، ابن تنری بردی، تقی الدین مقریزی، ابن حجر و حتی سیوطی، از بسیاری از این منابع استفاده کرده و دست کم بخشهایی از آنها را به ما رسانده‌اند، اگر چه تا حدودی از تصحیف و تحریف و تغییر محتوا و اعمال نظر در امان نمانده‌اند (نک: ابن آیبک، مقدمه جزء ۶، ص ۲۱؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۶).

۳- دسته سوم: منابع و متون لاتینی که در خلال جنگهای صلیبی نوشته شده‌اند. این آثار بر اطلاعات فراوانی درباره ایوبیان شامل‌اند، چرا که ایوبیان در اواخر قرن ۶ ق و بیشتر قرن ۷ ق در کار جنگ بودند و گاهی هیئت‌های سیاسی بین آنان و صلیبیان مبادله می‌شد. در آن روزگار همچنین بسیاری از سفیران اروپایی، مشاهدات خود از شهرها و مناطق تحت حاکمیت ایوبیان را نوشته‌اند. نسیم یوسف در «مکتبه الحروب الصلیبیه» برخی از این نوشته‌های اروپایی را گاه به تفصیل و گاه به اختصار معرفی کرده است (مقدمه جلد‌های ۱ و ۲ و ۳).

۴- دسته چهارم: تحقیقات جدید اروپائیان و محققان مسلمان، خواه عرب و خواه غیر عرب، درباره سلسله ایوبیان و جنگهای صلیبی است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. فهرست این آثار، خود کتابی عظیم است که چون موضوع بحث ما نیست، ناچار از آن چشم می‌پوشیم. با اینهمه یادآور می‌شویم که برخی از مهمترین آنها به فارسی نیز ترجمه شده‌اند (مثلاً: رنه گروسه، جنگ‌های صلیبی، ترجمه شادان، تهران؛ ۱۳۷۸).

امین معلوف، جنگ‌های صلیبی از دیدگاه شرقیان، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران، ۱۳۶۹ (...).

ما در این گفتار، کار خود را به منابع نوع اول یعنی آثاری که در عصر ایوبیان تألیف شده، منحصر می‌سازیم.

شیوه تاریخ‌نگاری دوره ایوبیان

مورخان مسلمان در تدوین و تنظیم متون تاریخی، شیوه‌های گوناگونی از قبیل حدیثی - خبری، سالشماری، دودمانی، طبقاتی، تبار شناختی و فرهنگنامه‌ای در پیش

گرفته‌اند. البته شیوه‌های مذکور را نمی‌توان به طور کلی جدا از هم انگاشت چه ممکن است دو یا چند شیوه در یک اثر جمع شود (سجادی، ص ۷۱). کتاب *الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام والجزیره*، همانگونه که از نامش پیداست، ترکیبی از تاریخ و جغرافیاست و مطالب جغرافیایی درباره شهرهای شام و جزیره و حوادث تاریخی مربوط به این دو منطقه وسیع، بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است به طوری که اماکن، ابواب، قلعه‌ها، مسجدها، مزارات، خانقاهها، رباطها، مدارس، حمامها، نهرها و پلهای شهرهای مورد بحث، ذکر شده است، همچنین در بحث تاریخی به نام سازندگان بناها، ویران‌کنندگان و تعمیرکاران آنها، امیران شهرها، علما و متولیان مدارس اشاره شده است. بقیه منابع عصر ایوبیان، از جمله *مفرج الکروب* و دیگر کتاب‌ها به شیوه سالشماری تدوین شده‌اند و حوادث و وقایع در آنها، به ترتیب سالهای وقوع آنها ذکر شده است. در این کتابها اگر درباره افراد و شخصیت‌های مهم نیز سخن رفته، گاهی در ذیل سال آغاز حکومت یک سلطان و غالباً در ذیل سال مرگشان ذکر شده است. کتاب *الروضتین ابوشامه* ضمن رعایت شیوه سالشماری، شیوه فرهنگنامه‌ای نیز دارد و شرح حال افراد بسیاری از بزرگان و عالمان عصر نورالدین و صلاح‌الدین به تفصیل در آن ذکر شده است. ابو شامه همچنین به شیوه تاریخهای عمومی، البته با اختصار تمام، در ذیل هر سال اخبار و اطلاعاتی از همه دست و در همه زمینه‌ها، بدست می‌دهد. کتاب دوم *ابوشامه الذیل علی الروضتین*، ضمن مراعات ترتیب سالشمار کاملاً به شیوه فرهنگنامه‌ای تدوین شده و سراسر کتاب شرح حال عالمان و بزرگانی است که از سال ۵۹۰ تا ۶۵۵ق در مصر و شام و نواحی اطراف آن از دنیا رفته‌اند. ابوشامه در شرح حال شخصیت‌ها، با اجمال تمام سخن گفته و بیشتر به ذکر برخی ویژگی‌های مهم افراد اکتفا کرده است و او در این کتاب نیز، به شیوه تاریخهای عمومی و سالشماری در آغاز هر سال به برخی حوادث مهم سیاسی و نظامی عصر خود اشاره کرده است. کتاب *النوادر السلطانیة* بهاء‌الدین بن شداد، اگر چه شیوه خاصی ندارد، ولی به شیوه تبار شناختی نزدیک‌تر است.

انواع تاریخنگاری در دوره ایوبیان

مراد از انواع تاریخ‌نگاری، مضامین اصلی و گونه‌ها و شیوه‌های مختلف تاریخ‌نگاری و تدوین تاریخی هماهنگ با دیدگاه مورخ است. بنا بر این، شیوه‌های تدوین و تنظیم نیز در این مقوله می‌گنجد و در واقع میان انواع تاریخ‌نگاری و شیوه‌های تدوین تاریخی، نسبت عام و خاص است. مثلاً نگارش تاریخ بر اساس سلسله، از جمله شیوه‌های تدوین تاریخی به شمار می‌رود و در عین حال از نظر مضمون و نگاه مورخ به تاریخ یک دوره بر محور دودمان حاکم، در زمره انواع تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود. مهمترین انواع تاریخ‌نگاری عبارت است از سیر و مغازی، مقاتل و حروب، خراج و فتوح، تواریخ دودمانی و تک‌نگاری درباره فرمانروایان، تواریخ محلی، انساب، طبقات، وزارت و دیوانسالاری و فرهنگنامه‌های تاریخی (سجادی، ص ۱۰۹).

منابع تاریخی این دوره به یک گونه تدوین نشده‌اند. کتاب *زبدة الحلب و الاعلاق الخطیره* به شیوه تاریخ‌نگاری محلی تألیف شده‌اند و اساس کار ابن عدیم و ابن شداد ذکر تاریخ حلب و دمشق و شهرهای جزیره بوده است. اما از آن نظر که در عصر مؤلفان هر دو کتاب، این شهرها در قلمرو ایوبیان بودند، تا حدودی رنگ تاریخ‌نگاری دودمانی دارند. کتابهای *الفتح القسی و البرق الشامی و النوادر السلطانیة* از نوع تک‌نگاری بوده و محور همه آنها، شرح حال صلاح الدین ایوبی و جنگها و فتوحات و ویژگیهای فردی و روش‌های حکومتی اوست و از او تصویر پادشاهی آرمانی را نشان داده‌اند. کتاب *الفتح القسی* را از آن نظر که درباره فتح قدس مطالبی دارد می‌توان از نوع تاریخ‌های محلی و از آن نظر که نمونه‌هایی از نامه‌های صلاح الدین به حاکمان بلاد مجاور را دارد، از نوع کتب دیوانسالاری و از یک نظر دیگر می‌توان جزء کتاب فتوح برشمرد.

در مورد *مفرج الکروب* نیز نظرها گونه‌گون است: برخی با توجه به اسم آن کتاب، *مفرج الکروب فی تاریخ بنی ایوب*، آنرا از تواریخ دودمانی شمرده‌اند اما به سبب تأثیرپذیری شدید ابن واصل از ابن اثیر، جلدهای اول تا سوم و بخشی از جلد چهارم این کتاب، تاریخ عمومی است و فقط بخشی از جلد چهارم و تمام جلد پنجم به دودمان ایوبی و اخبار حکومت آنان اختصاص دارد. کتاب *الروضتین* به دو جزء تقسیم شده است. جزء اول در اخبار دولت نورالدین و ذکر نسب او و ویژگیهای فردی و اقدامات

عمرانی اوست. جزء دوم شرح اخبار جنگها و فتوحات صلاح الدین و رویدادهای دیگر است. با توجه به این جنبه از کتاب *الروضتین* می‌توان آن را از نوع تاریخنگاری دودمانی شمرد، اما از آنجا که در بخشهای مختلف این کتاب درباره مسائل پراکنده‌ای نیز بحث شده، می‌توان آنرا از نوع تاریخهای عمومی شمرد. کتاب *المختصر فی اخبار البشر* ابوالفداء نیز به شیوه تاریخهای عمومی نگاشته شده و خلاصه‌ای برگرفته از *الکامل ابن اثیر* است.

سبک و شیوه‌نگارش

نویسندگان و مورخان مورد اشاره در این مقاله، عموماً ادیب یا دبیر و شاعر بودند، از اینرو نوشته‌های آنان از غنای ادبی بسیاری برخوردار است و در همه آنها ساخت دستوری زبان عربی کاملاً مراعات شده است. با این همه به دلیل نفوذ ایرانیان و ترکان، واژه‌های فارسی و ترکی فراوانی در حوزه نگارش‌های ایوبی، خاصه در زبان دیوان‌های حکومتی راه یافته است، اما تعداد این واژه‌ها در آثار تاریخی آن دوره اندک است. آثار عماد کاتب اصفهانی به سبب آنکه او خود از منشیان دربار بوده، با اسلوبی پر آرایه و مسجع نوشته شده و سواس لفظ پردازی و بازی با کلمات در قالب صنعت‌گرایی عماد گاه چنان اغراق‌آمیز می‌شود که خواننده سررشته مطالب تاریخی را از دست می‌دهد.

کتاب *البرق الشامی* در واقع *شهنامه صلاح الدین* است (بنداری، *سنا البرق الشامی*، مقدمه جلد ۱). نثر ابن شداد در کتاب *النوادر* نیز تا حدودی مغلق و متکلف است. ابو شامه با اینکه از آثار ابن شداد و عماد کاتب اقتباس کرده، باز بر خلاف این دو تن، نثری روان و شیوا و بدور از لفاظی و سجع و صناعات ادبی دارد. ابن واصل نیز همانند ابوشامه و ابن اثیر، روان و شیوا نثر می‌پردازد. در منابع تاریخی این عصر همانند دیگر آثار تاریخی دوره‌های قبل و بعد، به مناسبت‌های مختلف، اشعاری نیز ذکر شده است. این امر سبب شده تا بسیاری از اشعار شاعران غیر مشهور از خطر نابودی جان به سلامت برنند.

انگیزه‌های تألیف

با نگاهی به محتوای مطالب و شیوه بیان مدح آمیز و جانبدارانه و گاهی مغرضانه برخی از این منابع، این نکته آشکار می‌گردد که بیشتر، انگیزه تألیف کتابهایی چون البرق الشامی و الفتح القسی و نیز النوادر السلطانیة و بخشهایی از زبدة الحلب، بیشتر ذکر مناقب و محاسن و ستایش از سلاطین ایوبی، بویژه صلاح الدین و یا برخی از معاصران وی بوده و نویسندگان قصد داشتند بدین وسیله دین خود را به ولی نعمت خود که همانا سلطان وقت است ادا کنند. عماد کاتب، پیروزی صلاح الدین بر صلیبیان و فتح قدس را کاری بزرگ و ستایش انگیز دانسته و از آن به عنوان هجرت دوم اسلام یاد کرده است. او بر خود می‌بالد که در کنار صلاح الدین است و نه تنها از ستایش ولی نعمت خود احساس رضایت قلبی و شادی می‌کند، که خویشتن را ملزم به چنین کاری نیز می‌داند. او صلاح الدین را به صفاتی همچون «ناصر دعوت خلیفه»، «ولی طائع»، «شمشیر بران» و «مُحَکِم امر او» توصیف کرده می‌گوید: من بر آنم که خجستگی این ایام پر برکت و نورانی را به کلمات زیبا جاودانه سازم (مقدمه کتاب الفتح القسی). ابن شداد مؤلف النوادر السلطانیة انگیزه خود را چنین بیان می‌کند: چون ایام سلطنت سلطان الملك الناصر صلاح الدین، جامع کلمه ایمان، در هم کوبنده صلیبیان، بر پا دارنده پرچم عدل و احسان، ناجی بیت المقدس از ظلم اشغالگران و خادم حرمین شریفین را درک کردم، و از صفات نیک آن سلطان دیدم که در سختی‌ها چگونه شکیبایی تواند کرد، و نیز به سبب نعمتها و خیر و برکاتی که از آن سلطان به من می‌رسید، بر خود واجب دیدم که در حق او خدمتی کنم و اندکی از بسیار نیکی‌ها و بزرگواریهای او را بازگویم (مقدمه کتاب).

ابو شامه خود معترف است که هدف وی از نوشتن کتاب الروضتین احیای یاد و نام نورالدین و صلاح الدین و ذکر فضل و بزرگواری آنان بوده است تا شاید دیگر شاهان و حاکمان عبرت گیرند و به راه آنان روند. با اینهمه وی با این دو سلطان حتی معاصر هم نبود و گوئی ستایش‌های پر آب و رنگ او از سلاطین، نوعی شیوه یا عادت ادبی بوده و شاید بتوان گفت که بیشتر، پژوهشهای تاریخی بود که او را به تألیف بر می‌انگیخت.

انگیزه تألیف همچنین کتابهایی چون الاعلاق الخطیره و زبدة الحلب، و نیز بیش از آنکه ستایش و تمجید از سلاطین زمان باشد، نشان از علاقه به زادگاه و زنده کردن یاد و

نام بزرگان و حوادث تاریخی مربوط به آن شهر خاص دارد. انگیزهٔ ابن واصل را هم در تألیف *مفرج الکروب* باید بیشتر علاقهٔ فراوان وی به مطالعات و تحقیقات تاریخی دانست.

نکتهٔ آخر اینکه در این دوره به شرایط خاص سیاسی و نظامی در سرزمین‌های اسلامی، بویژه در شهرهای شام و تقسیم شدن این مناطق بین شاهزادگان ایوبی و امیران ترک که گوئی جز جنگ و درگیری کاری نداشتند، توجه به رشته‌های مختلف علمی فراموش شد و تنها زمینه‌هایی که امکان تحقیق و مطالعه و قلم‌فرسایی در آنها وجود داشت همانا زمینه‌های تاریخی بود که آن هم غالباً از مدح و ستایش شاهان آکنده می‌گشت.

ویژگیهای مؤلفان دورهٔ ایوبی

عماد کاتب، ادیب و منشی دیوان رسائل و از نزدیکان و مشاوران صلاح‌الدین بود و بر بسیاری از اسناد و نامه‌ها آگاهی کامل داشت. بهاء‌الدین ابن شداد نیز از صاحبان مناصب و قاضی و از نزدیکان و مشاوران و دستیاران صلاح‌الدین در جنگها بوده و بر اسناد و مدارک دقیق دسترسی داشته است. ابن عدیم مؤلف *زبدۃ الحلب* نیز از صاحب منصبان و درباریان سلاطین ایوبی بوده است. عزالدین ابن شداد دبیر و وزیر بود و مدتها در دربار سلاطین ایوبی به امور سیاسی اشتغال داشت. ابو شامه بر خلاف نویسندگان دیگر، محدث و مفسر بود و شغل دولتی و سیاسی نداشت و کار اصلی او تعلیم و تدریس و تحقیق بود. ابن واصل نیز فقیه بود و به دور از دربار به کارهای علمی و تعلیم و تدریس و تحقیق مشغول بود. از دیگر پدیده‌های جالب توجه در این دوره، آن است که همهٔ مؤلفان، ایرانی با عراقی و شامی و تحصیل کردهٔ عراق و شام بودند و مورخی که مقیم مصر و یا دارای اصالت مصری باشد، در این دوره ظهور نکرده است. این امر خود می‌تواند علت‌های گوناگون داشته باشد. از جمله می‌توان گفت که چون ایوبیان صاحب منصبان و دبیران و وزیران دربار خود را از میان ایرانیان و عراقیان و شامیان که با آنها قرابت زبانی و نژادی و مذهبی داشتند، بر می‌گزیدند، لاجرم نگرش و یا شخصیت مؤلفان در نامگذاری کتابها اثر می‌گذاشت. در نتیجه ملاحظه می‌کنیم که عناوین این

کتاب‌ها بسیار ستایش‌آمیز و در عین حال شاعرانه و ادیبانه است و با محتوای کتابها همخوانی کامل دارد.

ابو شامه کتاب خود را به دو «روضه» تشبیه نموده که هر یک، به یکی از دو سلطان، یعنی نورالدین و صلاح‌الدین اختصاص یافته است. نام کتابهای *الاعلاق الخطیره* ابن شداد و *زبده الحلب* ابن عدیم نیز بازتاب محتوای آنهاست. کتاب دوم در عین حال علاقه مؤلف را به شهر خویش نشان می‌دهد.

اسمی که ابن واصل برای کتاب خود برگزید، *مفرج الکروب*، بسیار غریب و نادر است. «مفرج الکروب» (که شاید بتوان به «غم‌گشا» ترجمه کرد)، اصطلاحی است که در دعاها و راز و نیازها و متون عبادی به کار می‌رود و با محتوای کتاب تاریخی همخوانی ندارد.

بررسی محتوایی منابع مربوط به ایوبیان

ویژگی مشترک این منابع توجه عمده به اخبار مصر و شام و جنگهای صلیبی است. به عنوان مثال آثار عماد کاتب و بهاء‌الدین ابن شداد و الروضتین ابو شامه، چون به شرح جنگها و فتوحات صلاح‌الدین پرداخته‌اند، ناچار اخبار جنگهای صلیبی در آنها از برجستگی خاصی برخوردارند و بخش اعظم این کتابها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در این منابع از روابط صلاح‌الدین با دولتهای مسلمان همسایه در مناطق شام و جزیره و عراق، گسترش قدرت صلاح‌الدین، ترکیب سپاه وی و مسائل نظامی و تشریفات مرسوم در آن زمان گفتگو شده است.

این منابع متن برخی از نامه‌های مبادله شده بین صلاح‌الدین و حاکمان بلاد همسایه او را نیز نقل کرده‌اند. اشاره به وفیات مشهور و شهادت برخی امیران عرب در جنگهای صلیبی نیز از مطالب اساسی این منابع به شمار می‌رود. ابن واصل فقط به وفیات مشهور مصر و شام پرداخته و از ذکر ویژگیهای فردی متوفی فراتر نرفته است. از عمده مطالب مشترک این منابع ذکر مناقب صلاح‌الدین است. آنها سعی دارند صلاح‌الدین را نه سلطانی خشن و جنگجو، که عارفی دلسوخته و زاهدی متنسک و متعبد نشان دهند. عماد کاتب گاهی به وضع هوا و بارندگی و تأثیر آن در فعالیتهای نظامی اشاره کرده است

(مثلاً: البرق الشامي، ۲/۵). ابن شداد نیز به وضع هوا و بارندگی و وزش باد و موقعیت مکانی طرفین جنگ توجه کرده است (النوادر، صص ۲۴۱-۲۴۲). ابو شامه علاوه بر ذکر شرح حال صلاح الدین که برگرفته از عماد کاتب و ابن شداد است، اخبار متعددی از اوضاع علمی و فرهنگی این دوره و نیز اطلاعاتی درباره جغرافیای شام و محله‌های دمشق در روزگار ایوبیان به دست می‌دهد. ابن شداد بیشتر به مسائل جغرافیایی و عمرانی و محدوده فرمانروایی و نفوذ ایوبیان و جنگها و فتوحات آنان توجه کرده است، اما گاه اطلاعاتی از بلاد مجاور با ایوبیان نیز به دست داده است. بیشتر مطالب کتاب *الاعلاق الخطيرة*، درباره ساخت مساجد و حمامها و پلها و دیگر مظاهر عمرانی و شهری است.

ابن عدیم نیز علاوه بر ذکر حوادث سیاسی، به شرح جنگهای صلیبی نیز علاقه وافر نشان داده و به فعالیتهای عمرانی ایوبیان در حلب هم اشاره کرده است. ابن واصل علاوه بر ذکر تاریخ مصر و شام و جنگهای صلیبی، به تاریخ بلاد مسلمان نشین از جمله ایران و عراق و هند و اخبار مغولان نیز توجه کرده است. از اخبار منحصر به فرد ابن واصل اشاره به حکومت ایوبیان در شهرهای مختلف شام و مصر و حلب و یمن است (نک بخصوص جلد های ۴ و ۵). ابوالفداء در جلد چهارم کتاب *المختصر فی اخبار البشر* به اخبار مصر و شام بیش از سایر بلاد توجه کرده و از بقایای ایوبیان در حلب و حماة و یمن خبر داده و به وفیات مشهور زمان خود اشاره کرده است.

از دیگر مطالب مشترک این منابع اشاره به تشریفات و مراسم معمول و نیز ارائه اطلاعاتی در زمینه ساختار تشکیلاتی دولت ایوبیان و مقامات و مناصب آن دولت و ذکر فعالیتهای عمرانی از قبیل ساخت مدارس و مساجد و حمامها و اماکن خیریه و عام المنفعة است.

از کاستی‌های این منابع غفلت از اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی شهرهای تحت حاکمیت ایوبیان و نیز غفلت از مسائل اقتصادی و تجاری از قبیل قیمت اجناس، واحد پول، تغییرات قیمت‌ها و بی توجهی به حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و کسوف و خسوف می‌باشد. در حالیکه در آثار تاریخی عصر ممالیک به این امور توجه شده است.

ارزش علمی منابع تاریخ ایوبیان

منابع تاریخی ایوبیان همانند بیشتر تاریخهای اسلامی عموماً جانبدارانه و با حب و بغض بسیار و به منظور ستایش و تمجید از سلاطین نوشته شده، از این رو از بسیاری واقعیت‌ها و حوادث مهم غفلت شده است. این منابع تلاش کرده‌اند تا به سلاطین این سلسله قداست ببخشند و دامن آنان را از هر گناه و اشتباهی پاک نشان دهند. از سوی دیگر، بیشتر این آثار متکلی بر مشاهدات مؤلفان و نیز اسناد مکتوب اداری و سیاسی است، و از این رو از ارزش علمی بالایی برخوردار هستند. به عنوان مثال، عماد کاتب و ابن شداد هر چه نوشته‌اند، بر اساس مشاهدات شخصی بوده و عموماً از امور و وقایعی سخن می‌گویند که خود در اغلب آنها مشارکت داشته‌اند. ابن واصل سعی می‌کند علت وقوع برخی حوادث را نیز نشان دهد، از این رو به تجزیه و تحلیل بعضی خبرها پرداخته است (مثلاً: مفرج، ۳۸/۵). در منابعی چون *مفرج الکروب و الاعلاق الخطیره* مطالبی دیده می‌شود که از منابع قدیمتر اقتباس شده است که اکنون مفقود شده‌اند.

اما کتاب *الروضتین ابو شامه* تماماً منقول از آثار دیگران است و تنها امتیاز آن این است که مطالب و نوشته‌های عماد کاتب و قاضی فاضل را از نثر متکلف و منشیانه به نثر روان و قابل فهم تبدیل کرده و مواد تاریخی را از مواد ادبی صرف جدا ساخته است.

کتاب *الاعلاق الخطیره* نیز به سبب دسته‌بندی فعالیت‌های عمرانی ایوبیان در دمشق و حلب، در نوع خود منحصر به فرد است زیرا غالب مورخان قرن‌های ۵ و ۶ ق به حوادث سیاسی و نظامی توجه کرده و از ذکر فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی به صورت جدا از حوادث سیاسی غفلت کرده‌اند، اما ابن شداد فعالیت‌های عمرانی را به صورت جداگانه ذکر کرده است. کتاب ابن واصل نیز در جلدهای اول و دوم و سوم، مطلب تازه‌ای ندارد. اما در قسمتهایی از جلد چهارم و تمام جلد پنجم می‌تواند منبع دست اول به شمار آید زیرا که مؤلف با برخی از شاهان ایوبی همچون *الملك المظفر معاشر* داشته و برخی حوادث را خود مشاهده کرده است و یا برخی اخبار را از معاصران خود چون *الملك المنصور صاحب حمص* شنیده و برخی را از دبیران دربار ایوبیان کسب کرده است (مثلاً: حوادث سال ۶۳۴). او با تورانشاه ایوبی که خود اهل علم و فضل بود، مباحثاتی داشت؛ باز همو در سال ۶۶۳ ق. از جانب *الظاهر بیبرس قاضی القضاة* حماة شد و تا پایان

عمر در همین منصب باقی ماند. در این زمان در حماة یک خانواده ایوبی که تحت الحماية ممالیک مصر شده بود حکومت می کرد.

کتاب ابن واصل در ج ۵ از حالت تاریخ عمومی خارج شد و به شکل تاریخ اختصاصی ایوبیان در می آید و اخبار جنگ ها و اختلافات داخلی و خارجی ایوبیان را به صورتی که در کتاب های دیگر وجود ندارد، عرضه می کند (نک: ابن واصل، ۸۳/۵، ۱۷۶-۱۷۷). او تعداد سلاطین ایوبی را در سال ۶۳۰ دوازده نفر در دوازده شهر ذکر کرده است (همو، ۷۵/۵-۷۶).

کتابشناسی

ابن آیبک، دواداری، کنزالددر، به کوشش صلاح الدین منجد و هانس روبرت واولرخ هارمان، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۴۴م.

ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، قاهره، ۱۳۴۸-۱۳۹۲ق.

ابن شداد، بهاءالدین، النوادر السلطانية والمحاسن اليوسفية، به کوشش جمال الدین شیال، قاهره، ۱۹۶۴م.

همو، الاعلاق الخطيرة، به کوشش دومنیک سوردل و یحیی عباده، دمشق، ۱۹۳۵ و ۱۹۷۸م.

ابن عدیم، زبدة الحلب من تاریخ حلب، در ۳ جزء، به کوشش سامی الدهان، دمشق، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۶۸م.

ابن واصل، مفرج الکروب فی تاریخ بنی ایوب، قاهره، ۱۹۵۳-۱۹۷۷م.

ابو شامه، الروضتين فی اخبار الدولتين، قاهره، ۱۲۸۷ق.

همو، ذیل الروضتين، بیروت، ۱۹۷۶م.

ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشر، بیروت، بی تا.

بنداری، سنا البرق الشامی، بیروت، ۱۹۷۱م.

شاندور، آکبر، صلاح الدین ایوبی، نابترین قهرمان اسلام، ترجمه روح بخشان، تهران، بی تا.

سجادی، سید صادق، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، ۱۳۷۵

عماد کاتب اصفهانی، البرق الشامی، استانبول، ۱۹۷۹م.

همو، الفتح القسی فی الفتح القدسی، بی جا، بی تا.

نسیم یوسف، جوزیف، مكتبة الحروب الصليبية، بیروت، ۱۹۸۱م.